

بررسی شیوع ضایعات ضبط شده گوسفندان اعزامی به کشتارگاه لواسان

دکتر سعید بکایی^۱، دکتر نوردهر رکنی^۱، دکتر سیدحسین حسینی^۲، دکتر زهرا حسینی نسب^۲

مجله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، دوره ۵۴، شماره ۲، ۲۳-۱۹، (۱۳۷۸)

می‌گردد (۹). بیماریهای واگیر دامی و بیماریهای مشترک بین انسان و حیوانات در طول تاریخ و در همه کشورهای جهان از جمله ایران، یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی و اقتصادی بوده است. با وجود تدابیر اتخاذ شده توسط مرکز بهداشتی (بیماری‌های واگیر دامپزشکی) این بیماریها هنوز هم در کشور مسئله ساز است (۵). علاوه بر جنبه‌های بهداشتی بیماریهای مشترک که اهمیت خاصی خود را داشته و مسئولیت دامپزشکان را دو چندان می‌کند، یکی از مشکلات عمده در میزان تولید گوشت قرمز در کشور ضایعات پاتولوژیک است که در اثر بیماریهای واگیر باکتریایی، ویروسی و بویژه انگلی روی لاشه و اندامهای خوراکی (آلایش) تظاهر کرده و بر حسب مورد سبب ضبط کلی، ضبط قسمتهایی از لاشه و یا ضمائم آن می‌گردد. بالا رفتن مقدار مواد ضبطی کشتارگاهی سبب کاهش تولید داخلی و به ناچار افزایش واردات گوشت از خارج خواهد شد. با توجه به این که گوشت گوسفند طبق عادت و از دیر زمان پرمصرفترین گوشتهای قرمز سبد غذایی مردم کشور ما را تشکیل می‌دهد همه ساله مجبور به وارد کردن آن از کشورهای مختلف بویژه استرالیا و نیوزلند هستیم. از طرفی نظر به این که در کشورهایی که پرورش گوسفند رواج دارد هدف اصلی از پرورش پشم آن می‌باشد، بنابراین گوشت حاصله از این دامها کیفیت خوراکی مطلوبی را نخواهد داشت و کمتر به مصرف غذایی می‌رسد. کیفیت نامطلوب گوشتهای گوسفند وارداتی از دیر زمان در خاطرها باقی مانده و اصطلاح "گوشت یخی" از همان زمان رایج و مردم رغبت کمتری نسبت به خرید و مصرف آن نشان می‌دهند (۳). بنابراین جلوگیری از خسارات اقتصادی ناشی از ضبط گوشت و آلایش گوسفند موضوع مهمی است که برای نیل به آن باید ابتدا به شناسایی نوع و فراوانی ضایعات مربوطه پرداخت که در این مطالعه نیز چنین بررسی‌ای در یکی از کشتارگاههای اطراف تهران انجام پذیرفته است.

مواد و روش کار

جهت انجام کار تحقیقاتی کشتارگاه لواسان در گلندوک (شمیرانات) به عنوان نمونه کوچک و مناسبی انتخاب گردید. در طول سه ماهه تابستان ۱۳۷۶ جمعاً سیزده بار به کشتارگاه مراجعه شد و تعداد ۱۶۲۷ رأس گوسفند کشتار شده مورد معاینه و بررسی قرار گرفتند. در پرسشنامه‌ای که تهیه شده بود سن، جنس و نژاد دام ثبت می‌شد. روش کار در مورد گوسفند بدین صورت بود که در ابتدای خط کشتار سن دامها تعیین می‌شد و پس از کشتار لاشه‌ها، ضمائم لاشه و دژیه‌های لنفاوی مورد معاینه قرار گرفته و موارد پاتولوژیک بدقت ثبت می‌گردید. در مورد هیپودرموز سطح پشتی لاشه و لایه زیرین جلد در ناحیه پشت در هنگام پوست کنی مورد مشاهده قرار می‌گرفت تا وجوه لاروهای مراحل دوم و سوم روشن گردد. پس از تعیین نوع ضایعه موارد مشاهده شده برای هر دام به طور جداگانه یادداشت و ثبت می‌گردد. در مورد هیپودرموز سطح پشتی لاشه و لایه زیرین جلد در ناحیه پشت در هنگام پوست کنی مورد مشاهده قرار می‌گرفت تا وجوه لاروهای مراحل دوم و سوم روشن گردد. پس از تعیین نوع ضایعه موارد مشاهده شده برای هر دام به طور جداگانه یادداشت می‌گردید. داده‌های پرسشنامه‌ها به کمک یک برنامه آماری کامپیوتری (Epi-info) وارد

اولین قدم در پیشگیری از خسارات ناشی از ضبط گوشت و آلایش گوسفند، شناسایی نوع و فراوانی ضایعات مربوطه می‌باشد که در این مطالعه از انواع مطالعات مقطعی می‌باشد. با ۱۳ بار مراجعه به کشتارگاه لواسان در منطقه گلندوک استان تهران و در هنگام فصل تابستان سال ۱۳۷۶، تعداد ۱۶۲۷ نمونه (گوسفند) مورد معاینه و بررسی قرار گرفتند که ضایعات کشتارگاهی فقط در ۳۳۶ نمونه آن مشاهده گردید. نوع و فراوانی ضایعات مشاهده شده به طور کلی و همچنین بر اساس متغیرهای جنس، سن و نژاد مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در ۳۳۶ نمونه مورد بررسی نسبت ضایعات انگلی در مقایسه با سایر ضایعات، رقم چشمگیر ۷۶ درصد را نشان داد. از طرفی در مجموع ۱۶۲۷ رأس گوسفند کیست هیداتیک کبد با شیوع ۵/۸۴ درصد و (۶/۹۸ درصد - ۴/۷٪) و (CI =) و کرمهای ریوی با شیوع ۳/۶۹ درصد و (۴/۶۱٪ - ۲/۷۷٪) و سیستی سرکوس تیناکولیس با شیوع ۲/۱۵ درصد و (۲/۸۵٪ - ۱/۱۵٪) و (CI =) و شیوع سایر ضایعات انگلی کمتر از یک درصد گزارش گردید. شیوع آلودگی به کیست هیداتیک به طور معنی داری از شیوع سایر آلودگیهای انگلی بیشتر بود (۰/۰۵ < P < ۰/۰۱). همچنین در بین ضایعات غیر انگلی، لنفادنیت کازنوز با شیوع ۱/۱۷ درصد (۱/۶۹٪ - ۰/۶۵٪) بالاترین مقدار را نشان داد و سایر ضایعات غیر انگلی شیوعی کمتر از یک درصد داشتند. به جز کیست هیداتیک کبد و کرمهای ریوی نسبت آلودگی سایر ضایعات انگلی در جنس ماده بیشتر از جنس نر ملاحظه شد. از نظر سن اکثر ضایعات انگلی در گروه سنی کمتر و مساوی ۶ ماه مشاهده شد و از جنبه نژادهای بومی منطقه و افشاری بیشترین نسبت ضایعات را نشان دادند. به استثناء نژاد قوچانی، نسبت کیست هیداتیک کبد در سایر نژادهای مورد بررسی (در مقایسه با سایر ضایعات) بیشترین مقدار گزارش گردید. از نظر اپیدمیولوژی مطالعه حاضر می‌تواند به عنوان یک نقطه شروع تقریباً مطمئن برای انجام برنامه Surveillance بیماریهای مربوط به ضایعات مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: کشتارگاه، گوسفند، ضایعات انگلی، سورولاس

لااقل ۶۰ درصد از کل جمعیت روی زمین ساکن کشورهای عقب نگاه داشته شده و یا در حال رشد هستند و اغلب در حال گرسنگی و یا فقر پروتئینی بویژه پروتئین حیوانی به سر می‌برند. به دلیل کثرت جمعیت در دنیا و محدود بودن اراضی زیر کشت و مراتع، پرورش دام و تولید فرآورده‌های پروتئینی حیوانی جهت رفع نیازهای تغذیه‌ای در جوامع مختلف همواره با اشکال توأم بوده و عمدتاً از گرانترین انواع غذاها به شمار می‌آیند (۴).

گوشت یکی از مهمترین منابع پروتئینی به شمار می‌آید. غنی بودن گوشت از پروتئینهای ارزشمند حاوی اسیدهای آمینه ضروری برای بدن، مواد معدنی بویژه آهن و روی، انواع ویتامینها و نیز انرژی کافی سبب می‌شود تا آن را در زمره کاملترین مواد غذایی طبقه‌بندی نمایند (۸).

جمعیت دامی کشور در ارتباط با گوسفند و بره در سال ۱۳۷۵ عبارت از ۵۱۴۹۹۰۰۰ رأس بوده است. در شرایط حاضر گوسفند به عنوان منبع اصلی تأمین کننده گوشت قرمز در سطح کشور مطرح می‌باشد به طوری که ۳۸/۸ درصد گوشت قرمز تولیدی در ایران از محل پرورش گوسفند حاصل

۱) گروه آموزشی بهداشت و کنترل مواد غذایی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران - ایران.
 ۲) گروه آموزشی انگل‌شناسی دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران - ایران.
 ۳) دانش‌آموخته دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، تهران - ایران.



ترتیب مربوط به کیست هیداتیک در کبد (۲۸/۲۷ درصد) کرمهای ریوی (۱۷/۸۵ درصد)، دیکروسلیازیس (۱۲/۲ درصد) و سیستی سرکوس تنیاکولیس (۱۰/۴۲ درصد) بوده و کمترین موارد که مجموعاً ۲ درصد از ضایعات را تشکیل می‌دهند مربوط به آبسه‌های کبدی و کیستهای ریز آهکی شده در کبد می‌باشند. ضمناً ۷۶ درصد از ضایعات کشتارگاهی را ضایعات انگلی تشکیل داده‌اند (نمودار ۱).

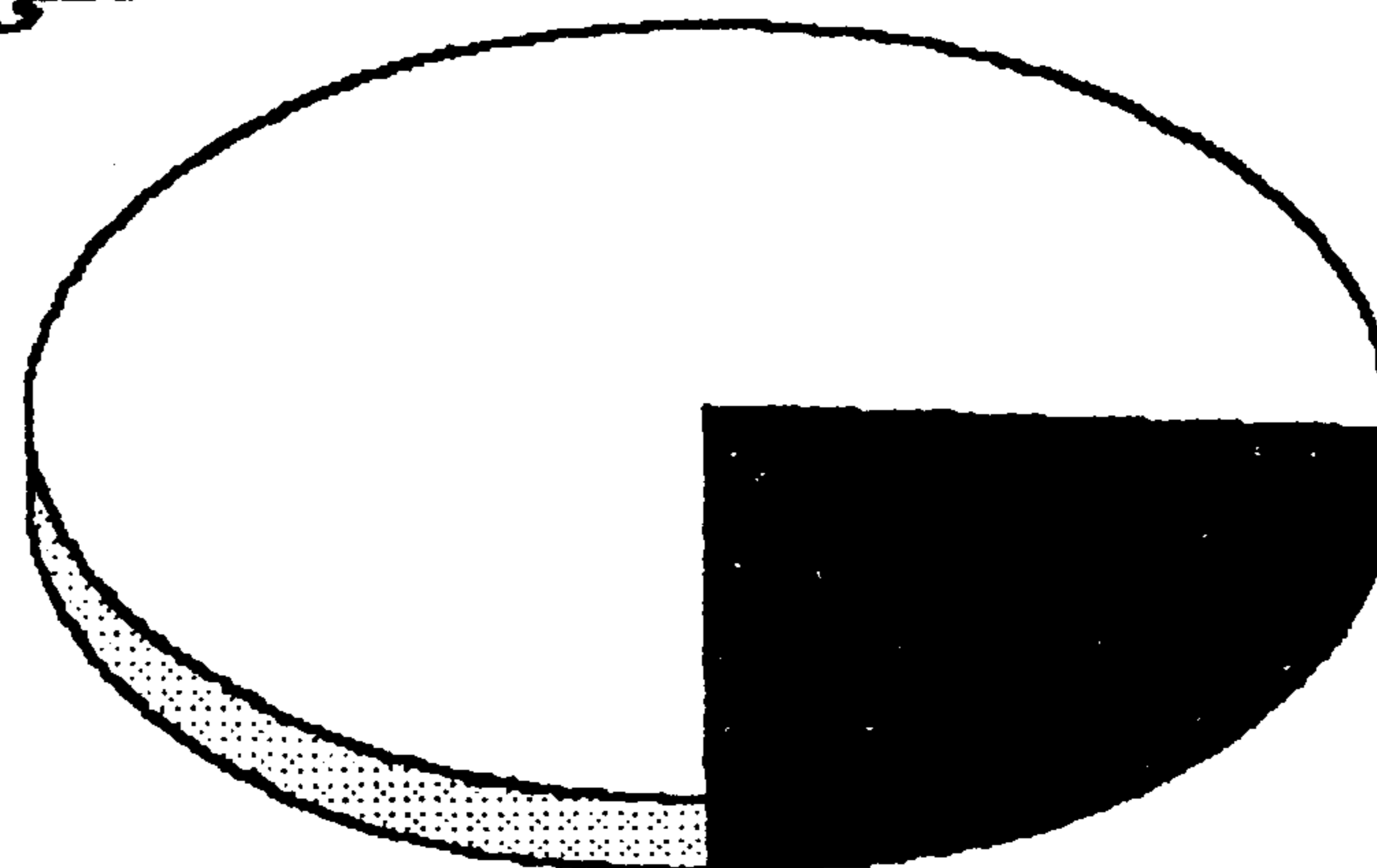
در نمودار ۲ همان گونه که ملاحظه می‌شود محاسبه شیوع لحظه‌ای در حدود اطمینان بر حسب درصد در تمامی موارد ضیطی در گوسفند آورده شده است. کیست هیداتیک کبد با شیوع ۵/۸۴ درصد و حدود اطمینان ۶/۹۸ - ۴/۷۰ درصد و پس از آن کرمهای ریوی و دیکروسلیوم و سیستی سرکوس تنیاکولیس بیشترین میزان شیوع را نشان می‌دهند. به عنوان مثال کیست هیداتیک کبدی در جنس نر ۲۹/۰۵ درصد و در جنس ماده ۲۲/۵۰ درصد و کرمهای ریوی در جنس نر ۲۰/۲۷ درصد و در جنس ماده صفر درصد می‌باشد و این در حالی است که سارکوسیستها در جنس ماده (۱۲/۵ درصد) بیشتر از جنس نر (صفر درصد) مشاهده شده‌اند (جدول ۱). در ارتباط با سن همان گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، اکثر ضایعات در گروه سنی کمتر و مساوی ۶ ماه می‌باشد. طبق جدول ۱ نژادهای بومی منطقه و افشاری در گوسفند بیشترین میزان ضایعات را نشان می‌دهند. در نژاد بومی منطقه، کیست هیداتیک کبد (۲۲/۵۴ درصد)، سیستی سرکوس تنیاکولیس (۱۹/۷۲ درصد) و پس از آن کرمهای ریوی (۱۱/۲۷ درصد) به ترتیب بیشترین موارد ضایعات را تشکیل می‌دهند. در نژاد سنگسری کیست هیداتیک کبد (۴۲/۲۲ درصد) بیشترین مورد و در نژاد قوچانی، کرمهای ریوی (۲۵ درصد) و پس از آن کیست هیداتیک کبد (۲۲/۹۲ درصد) بیشترین موارد ضایعات را سبب می‌شوند. در نژادهای مغانی و ماکویی نیز بیشترین ضایعات مربوط به کیست هیداتیک کبد و به ترتیب ۴۰/۷۴ درصد و ۵۷/۱۴ درصد بوده است. در نژاد افشاری بیش از همه کیست هیداتیک کبد (۲۴/۴۶ درصد) و کرمهای ریوی (۲۰/۱۴ درصد) به چشم می‌خورد.

رایانه شده، سپس با استفاده از روشهای آمار توصیفی بویژه روش تعیین حدود اطمینان براساس سؤالات و اهداف تحقیق، تعداد ۵ فقره جدول و یک نمودار دایره‌ای استخراج گردید.

نتایج

در این بررسی در ۳۳۶ رأس از تعداد ۱۶۲۷ گوسفند کشتار شده ضایعات کشتارگاهی مشاهده شد. ضایعات بر اساس متغیرهای جنس، سن و نژاد در هر دام جداگانه توصیف گردید که نتایج آن در قالب تعدادی جدول و نمودار به شرح زیر آمده است. طبق جدول ۱ بیشترین ضایعات مشاهده شده در گوسفند به

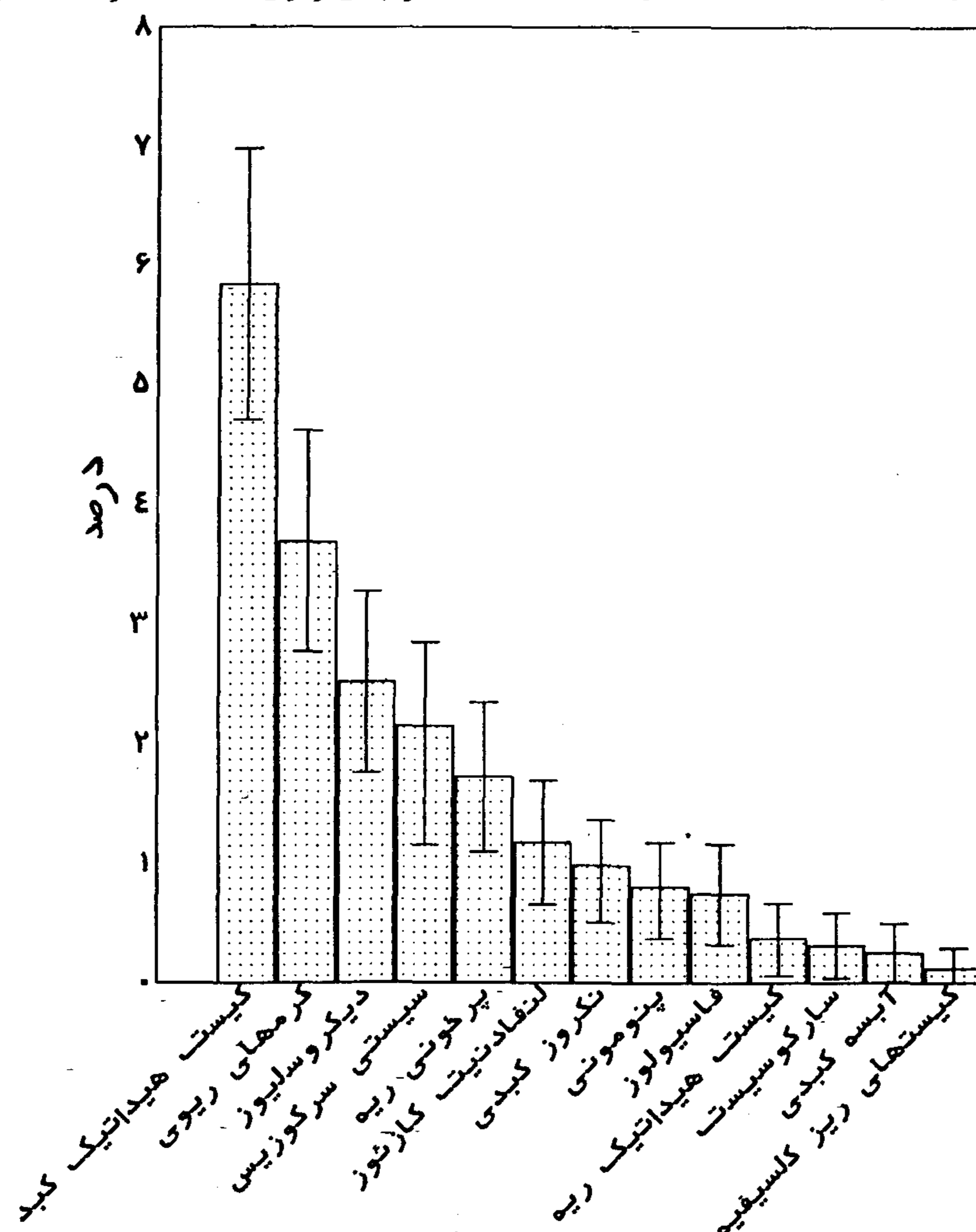
ضایعات انگلی ۷۶٪



ضایعات

غیر انگلی ۲۴٪

نمودار ۱ - شیوع ضایعات کشتارگاهی در گوسفند در کشتارگاه شمیرانات تابستان ۱۳۷۶



نمودار ۲ - شیوع و حدود اطمینان ضایعات تشخیص داده شده در گوسفند در کشتارگاه لواسان در تابستان ۱۳۷۶



جدول ۱- توزیع فراوانی ضایعات کشتارگاهی تشخیص داده شده در گوسفند بر حسب جنس و نژاد در کشتارگاه لواسان در تابستان ۱۳۷۶

جمع	افشاری	ماکویی	مغانی	قوچانی	سنگسری	بومی منطقه	نژاد	
							جنس	نوع ضایعه
۸۶	۳۱	۴	۱۱	۱۱	۱۵	۱۴	نر	کیست هیداتیک کبد
۹	۳	-	-	-	۴	۲	ماده	
۹۵	۳۴	۴	۱۱	۱۱	۱۹	۱۶	جمع	
۶۰	۲۸	-	۴	۱۲	۸	۸	نر	کرمهای ریوی
-	-	-	-	-	-	-	ماده	
۶۰	۲۸	-	۴	۱۲	۸	۸	جمع	
۳۱	۱۷	۱	۶	۴	-	۳	نر	دیگروسلیوز
۱۰	۵	-	-	۱	-	۴	ماده	
۴۱	۲۲	۱	۶	۵	-	۷	جمع	
۳۱	۷	۱	۱	۴	۶	۱۲	نر	سیستی سرکوز
۴	۲	-	-	-	-	۲	ماده	
۳۵	۹	۱	۱	۴	۶	۱۴	جمع	
۲۷	۱۵	-	۱	۲	۳	۶	نر	پرخونی ریه
۱	۱	-	-	-	-	-	ماده	
۲۸	۱۶	-	۱	۲	۳	۶	جمع	
۱۸	۸	-	۲	۳	۲	۳	نر	لنفادنیت کازنوز
۱	۱	-	-	-	۰	-	ماده	
۱۹	۹	-	۲	۳	۲	۳	جمع	
۱۵	۵	-	-	۲	۱	۷	نر	نکروز کبدی
۱	۱	-	-	-	-	-	ماده	
۱۶	۶	-	-	۲	۱	۷	جمع	
۱۲	۵	۱	۱	۱	-	۴	نر	پنومونی
۱	-	-	-	-	۱	-	ماده	
۱۳	۵	۱	۱	۱	۱	۴	جمع	
۸	۳	-	-	۳	۲	-	نر	فاسیولوز
۴	۲	-	-	۱	۱	-	ماده	
۱۲	۵	-	-	۴	۳	-	جمع	
۳	۲	-	-	-	-	۱	نر	کیست هیداتیک کبد
۳	-	-	-	-	۲	۱	ماده	
۶	۲	-	-	-	۲	۲	جمع	
-	-	-	-	-	-	-	نر	سارکوسیست
۵	۱	-	-	۲	-	۲	ماده	
۵	۱	-	-	۲	-	۲	جمع	
۳	-	-	۱	-	-	۲	نر	آبسه کبدی
۱	۱	-	-	-	-	-	ماده	
۴	۱	-	۱	-	-	۲	جمع	
۲	۱	-	-	۱	-	-	نر	کیستهای ریز کلسیفیه
-	-	-	-	-	-	-	ماده	
۲	۱	-	-	۱	-	-	جمع	
۲۹۴	۱۲۲	۷	۲۷	۴۳	۳۷	۶۰	نر	جمع
۴۲	۱۷	-	-	۴	۸	۱۱	ماده	
۳۳۶	۱۳۹	۷	۲۷	۴۷	۴۵	۷۱	جمع	



جدول ۲- توزیع فراوانی ضایعات کشتارگاهی تشخیص داده شده در گوسفند بر حسب سن و نژاد در کشتارگاه لواسان در تابستان ۱۳۷۶

نوع ضایعه	گروه سنی (ماه)	< ۶	۷-۱۲	> ۱۳	جمع
کیست هیداتیک کبد		۶۵	۲۳	۶	۹۴
کرمهای ریوی		۴۱	۱۹	-	۶۰
دیگروسلیوز		۲۶	۹	۶	۴۱
سیستی سرکوس تیناکولیس		۲۷	۵	۳	۳۵
پرخونی ریه		۱۶	۱۲	-	۲۸
لنفادنیت کازنوز		۱۲	۵	۲	۱۹
نکروز کبدی		۱۲	۴	-	۱۶
پنومونی		۱۰	۳	-	۱۳
فاسبولوز		۷	۳	۲	۱۲
کیست هیداتیک ریه		۳	-	۲	۵
سارکوسیت		۱	-	۴	۵
آبسه کبدی		۳	۱	-	۴
کیستهای ریز کلسیفیه		۱	۱	-	۲
جمع		۲۲۵	۸۵	۲۵	۳۳۵

بحث

در این مطالعه با انتخاب کشتارگاه لواسان به عنوان یک نمونه کوچک در بررسی کشتارگاهی، شیوع بیماریهای دامی که منجر به ضبط لاشه گوسفندان می گردند، در قالب مهمترین بیماریهای دامی و بیماریهای مشترک بین انسان و دام مورد بررسی قرار گرفته است. از مجموع ۳۳۶ رأس گوسفند مبتلا در کشتارگاه فوق مطالعه با توجه به سن، جنس و نژاد برای یافتن بیشترین موارد ضبطی انجام شد. همان گونه که از نتایج حاصل می گردد در اکثر موارد آلودگی جنس نر بیش از جنس ماده بوده است و تنها در مورد سارکوسیتوز به طور معنی داری جنس ماده بیشتر از نر آلودگی نشان می دهد که علت آن را می توان به ذیح میلهای ۷ - ۴ ساله در کشتارگاه نسبت داد. از طرفی اکثر ضایعات در گروه سنی کمتر یا مساوی شش ماه مشاهده می شوند که به طور کلی دلیل آن را می توان به کشتار بره های نر حداکثر شش ماهه در فصل تابستان نسبت داد زیرا معمولاً دامداران تمایل دارند در این فصل از دیاد گله خود را که عمدتاً شامل بره های نر پروری هستند در سنین ۶ - ۵ ماهگی در فصل تابستان تبدیل به گوشت نموده و از این راه منبع درآمدی برای خود فراهم آورند (۶). همان گونه که در بخش نتایج آمد از نظر نژادهای مورد مطالعه، بیشترین

منابع

۱. اسلامی، ع. کرم شناسی، جلد اول، ترماتودها. انتشارات دانشگاه تهران صفحات ۳۰ - ۲۶، (۱۳۷۶).
۲. اسلامی، ع. کرم شناسی دامپزشکی، جلد سوم، نماتودها و آکانتوسفالا. انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۱۲۴، (۱۳۷۶).
۳. باستانی، م. وضعیت نگهداری مواد غذایی در قبل و بعد از انقلاب و بررسی خسارات و ضایعات ناشی از نگهداری مواد غذایی در شرایط غیر بهداشتی و غیر فنی. سخنرانی ارائه شده در اولین کنگره ملی نگهداری مواد غذایی. دانشکده فنی دانشگاه تهران، (۱۳۶۶).



موارد ضبطی مربوط به کیست هیداتیک در نژاد ماکویی، کرمهای ریوی در نژاد افشاری و دیگروسلیوز در نژاد مغانی مشاهده می شوند. که چگونگی و ردیابی آن نیاز به مطالعات بیشتر و وسیعتر خواهد داشت. در بررسی کرمهای ریوی گوسفند در سال ۱۳۵۳، ۱۸ درصد از گوسفندان مورد آزمایش، مبتلا به پروتواسترونزیلوز بوده اند (۱) و در مورد فراوانی مولریوس کاپیلاریس در گوسفند در ایران اطلاعات کافی موجود نمی باشد.

در این بررسی نماتودهای ریه که تحت عنوان کرمهای ریوی در جداول آمده است اکثراً شامل پروتواسترونزیلوس روفسانس و پس از آن مولریوس کاپیلاریس بوده اند که در هر دو مورد اقدام به ضبط ریه های مبتلا می گردد. در حالی که مولریوس کاپیلاریس شایعترین نماتود ریوی گوسفند است که از اروپا گزارش می شود (۲). همچنین در مورد ترماتودهای کبدی، بیش از همه دیگروسلیوز دندریتیوکوم به چشم می خورد و پس از آن فاسیولا هیاتیکا مطرح بوده است. با توجه به این که در موارد آلودگی به دیگروسلیوز - بر خلاف فاسیولا - اقدام به ضبط کلی کبد می گردد خسارات حاصله از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود. در ارتباط با کیست هیداتیک نیز وفور کیستهای کبدی به مراتب بیشتر از کیستهای ریوی بوده است که احتمالاً می تواند به دلیل سنین پایین دامهای کشتاری و عدم فرصت کافی جهت مهاجرت نوزادان از کبد به سوی ریه باشد. در مطالعات انجام شده در سال ۱۳۷۶ ابتلا به کیست هیداتیک در ۶۹۰۰ گوسفند کشتار شده مورد جستجو قرار گرفته و ۵/۳ درصد آلودگی کبدی و ۵/۷ درصد آلودگی ریوی گزارش شده است (۷).

نتیجه کلی اینکه درصد قابل توجهی از کشتار گوسفند به دلیل ضایعاتی نظیر هجوم انگلها به کبد، ریه و عضلات و همچنین بیماریهای عفونی سبب کاهش چشمگیری در وزن و بازدهی لاشه و ضایعات خوراکی آن می شود که با معوم کردن بخشهای آلوده سرانه تولید نیز کاهش می یابد.

بنابر این گونه بررسیهای کشتارگاهی با برآوردی هر چند تقریبی از شیوع بیماریهای مرتبط با آن، می تواند نقطه شروع ارزشمندی برای اولیت بندی مبارزه با بیماریهای مرتبط با این ضایعات (حداقل در مورد بیماریهای عفونی) در مناطقی باشد که دامهای مورد بررسی از آن مناطق به کشتارگاه اعزام شده اند. چرا که پر واضح است مبارزه با بیماریهای انگلی و عفونی می تواند در کاهش ضایعات کشتارگاهی بسیار مؤثر واقع شده، موجب افزایش میزان مصرف سرانه گوشت از منابع داخلی و صرفه جویی در مصرف ارز کشور جهت واردات گوشت گردد.

تشکر و قدردانی

نگارندگان مقاله از زحمات پرسنل کشتارگاه لواسان بویژه کارمندان قسمت بازرسی صمیمانه تشکر می نمایند.

۴. بحیرایی، ا. نقش گوشت و فرآورده های آن در انتقال بیماریهای مشترک به انسان. پایان نامه برای دریافت دکتری دامپزشکی از دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران شماره ۲۰۳۰، (۱۳۷۰).

۵. تاجبخش، ح. نقش سازمان دامپزشکی کشور در بازرسی مواد غذایی و در مبارزه با بیماریهای مشترک انسان و حیوانات. تاریخ پزشکی و دامپزشکی ایران، جلد دوم - دوران اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران صفحه ۲۷۹، (۱۳۷۶).

۶. حسین زاده، س. و همکاران، فراوانی بیماری لنفادنیت پنییری در گوسفندان ذیح شده در کشتارگاه شیراز، مجله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، دوره ۵۱، صفحات ۸۷ - ۸۱، (۱۳۷۵).

۷. حسینی، ح. س تعیین رابطه بین شیوع کیست هیداتیک در گوسفند، بز و گاو با سن و میزان بارداری وزنده بودن پروتواسکولکس های آن. مجله دانشکده دامپزشکی دانشگاه تهران، دوره ۵۲، صفحات ۱۰۴ - ۹۹، (۱۳۷۶).
۸. رکنی، ن. علوم و صنایع گوشت، انتشارات دانشگاه تهران، شماره ۲۲۶ صفحه ۲، (۱۳۷۴).
۹. مطالعات تعیین استراتژی گوشت کشور. انتشارات دفتر پروژه توسعه منابع طبیعی، وزارت جهاد سازندگی، (۱۳۷۵).

Prevalence of lesions of referred to Lavasan abattoir

Bokaie S.¹, Rokni N.¹, Hosseine S.H.², Hosseini Nasab Z.³

¹Department of Food Hygiene, Faculty of Veterinary Medicine, Tehran University, Tehran, Iran. ²Department of Parasitology, Faculty of Veterinary Medicine, Tehran University, Tehran, Iran. ³Graduated in Faculty of Veterinary Medicine, Tehran University, Tehran, Iran.

Detection & determination of prevalence of lesions in slaughtered sheep is the first step in planning of prevention of economical losses. in this study, 1627 sheep carasses were inspected in lavasan slaughter house (Tehran province) at 13 times on the summer

1997. carcasses lesions were observed at 336 of them. Species and frequency of lesions were analysed by gender, age and breed. The ratio of parasitic lesions was more than others (76%) but prevalence of liver hydatid cysts, liver worms, Dicrocoeliosis and Cistisercosis were 5.84% (CI = 4.7% - 6.98%), 3.69% (CI = 2.77% - 4.61%), 2.52% (1.76% - 3.28%), 2.5% (1.15% - 2.85%) respectively. Prevalence of non parasitical lesions were less than 1% . Prevalence of Hydatid Cyst was significantly higher than the other parasitic ones ($0.01 < 0.05$). Caseuse lymphodenitis also was more prevalent than the others 1.7 % m (CI = 0.65 % - 1.69%) and the prevalence of non parasitic lesions was less than 1%. The Proportion of non parasitic lesions was less than 1%. The Proportion of infestation of carcasses in females was more than males sheep with the exception of Hydatid cyst parasitic infestation which was observed in lambs of 6 months of age or less. Native and Afshari breeds had more lesions of Ghoochani breed. Hydatid Cyst was observed in all examined breeds (in comparison of the other lesions. this study from the epidemiological point of view could support further surveillance of related diseases in this region.

Key words: Abattoir, Sheep, Parasitological Losses, Lavasan abattoir.

